

لزوم حرکت ایران به سمت رویکردهای پیشرفته امنیتی

سجاد عابدی
کارشناس سایبری



ایالات متحده یکی از کشورهای پیشرو در ایجاد نظام تحریم‌های اقتصادی متمرکز بر فضای مجازی است که عمدتاً توسط وزارت خزانه‌داری ایالات متحده و دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (اوفک) اداره می‌شود. اوفک انواع تحریم‌ها را در ارتباط با فعالیت‌های مخرب مرتبط با فضای سایبری، مانند جاسوسی سایبری، نفوذ سایبری به زیرساخت‌های حیاتی و شبکه‌های کامپیوتری و کمپین‌های اطلاعات غلط از خارج، برعهده دارد.

در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۴۰۴ (۶ ژوئن ۲۰۲۵)، رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ فرمان اجرایی جدیدی با عنوان "تداوم تلاش‌های منتخب برای تقویت امنیت سایبری کشور" (Sustaining Select Efforts to Strengthen the Nation's Cybersecurity and Amending Executive Order ۱۳۴۹۴/۱۳۶۹۴) به امضاء رسانید. این دستورالعمل در نگاه اول، یک گام رو به جلو و نشان دهنده تغییری مهم در سیاست امنیت سایبری ایالات متحده است، اما با نگاهی عمیق‌تر، می‌توان نشانه‌هایی از یک نگرانی استراتژیک را در آن مشاهده کرد.

اقدامات کلیدی این فرمان که می‌تواند الهام بخش سیاست‌گذاری‌های ملی باشد، شامل موارد زیر است:

اصلاح سیاست تحریم‌ها: این دستور، فرمان اجرایی ۱۳۶۹۴ مصوب سال ۲۰۱۵ را که برای اعمال تحریم علیه افراد و نهادهای درگیر در فعالیت‌های مخرب سایبری صادر شده بود، اصلاح می‌کند. هدف از این اصلاحات، تمرکز تحریم‌ها بر بازیگران مخرب خارجی است و اطمینان از عدم هدف‌گیری ناخواسته فعالیت‌های سیاسی داخلی. این اصلاح همچنین تصریح می‌کند که تحریم‌ها شامل فعالیت‌های مرتبط با انتخابات نمی‌شوند.

پیشبرد توسعه نرم افزار امن: با اذعان به اهمیت امنیت نرم افزار، این فرمان به نهاد‌های فدرال دستور می‌دهد تا شیوه‌های توسعه نرم افزار امن را اتخاذ کنند. این شامل پیاده‌سازی دستورالعمل‌های موسسه ملی استاندارد‌ها و فناوری (NIST)، به ویژه چارچوب توسعه نرم افزار امن (SSDF)، برای افزایش امنیت و یکپارچگی نرم افزارهای مورد استفاده و توسعه یافته در نهاد‌های فدرال است.

تأکید بر رمزنگاری پساکوانتومی: این دستور اجرایی، اتخاذ الگوریتم‌های رمزنگاری پساکوانتومی را الزامی می‌کند. این اقدام با هدف محافظت از اطلاعات حساس در برابر رمزگشایی احتمالی توسط رایانه‌های کوانتومی است و بدین ترتیب ارتباطات و داده‌های فدرال را برای بلندمدت ایمن می‌سازد.

تقویت امنیت پروتکل دروازه مرزی (BGP): برای رفع آسیب‌پذیری‌ها در مسیرپایایی اینترنت، این دستور به نهاد‌های فدرال دستور می‌دهد تا اقداماتی را برای ایمن‌سازی پروتکل دروازه مرزی پیاده‌سازی کنند. با کاهش خطرات مرتبط با رایانش BGP، این اقدامات با هدف جلوگیری از تغییر مسیر مخرب ترافیک اینترنت است که می‌تواند منجر به رهگیری داده‌ها یا اختلال در خدمات شود و دستورالعمل به نهاد‌های فدرال برای اتخاذ مجوز مبدأ مسیر (ROA) و زیرساخت کلید عمومی منابع (RPKI) نشان دهنده تعهدی بسیار ضروری به سلامت ستون فقرات اینترنت است.

تویج استاندارد‌های امنیت اینترنت اشیا (IoT): این فرمان اجرایی از توسعه و اتخاذ سیاست‌های امنیت سایبری قابل اعتماد توسط ماشین و تعیین نامه‌های رسمی اعتماد برای دستگاه‌های اینترنت اشیا حمایت می‌کند. این ابتکار به دنبال اطمینان از مطابقت دستگاه‌های متصل با اصول اساسی امنیتی است و بدین ترتیب از مصرف‌کنندگان و اکوسیستم دیجیتال گسترده‌تر محافظت می‌کند.

این تحولات نشان دهنده یک تغییر جهانی از رویکردهای واکنشی به سمت تدبیرهای پیشگیرانه است. این تغییر برای کشورهای مانند ایران، با توجه به اهمیت روزافزون فضای سایبری و زیرساخت‌های حیاتی دیجیتال، از اهمیتی دوچندان برخوردار است.

فرمان اجرایی اخیر در آمریکا، یک پیام روشن به جامعه امنیت سایبری جهانی و به خصوص کشورهایی مانند ایران است، هرچند که این فرمان بیش از آنکه یک نمایش قدرت باشد، نشان دهنده آگاهی از آسیب‌پذیری‌های عمیق است و امنیت سایبری دیگر یک مسئولیت صرفاً دولتی نیست و نیازمند یک رویکرد هماهنگ و تطبیقی است.

رئیس‌جمهوری گفت: اینکه من در کلاس درست درس دهم والگو و نمونه شوم، اینکه روش‌های جدید و مهارت‌ها را به بچه‌ها آموزش دهم، ربطی به تحریم ندارد، به علم و انگیزه و باور ما ربط دارد. مسعود پزشکیان در مراسم بهره‌برداری از طرح‌های نهضت توسعه عدالت در فضا‌های آموزشی شهرستان شهریار با بیان اینکه با کمک مردم می‌توان مشکلات را حل کرد، افزود: چه کسی گفته مدرسی که ما می‌سازیم باید ضعیف‌تر باشد و با کیفیت پایین‌تر و با روش نامناسب مدیریت شود تا مان‌توانیم بهترین کلاس را هم از نظر فضا و هم تجهیزات و نوع آموزش داشته باشیم؟ چرا باید معلمی که به کلاس می‌آید همیشه یک جور درس دهد؟ نمی‌توان به او هم آموزش داد که بتواند به شیوه‌های جدید و بهتر مفاهیم را منتقل کند؟

آموزش درست به دانش‌آموزان ربطی به تحریم ندارد

رئیس‌جمهور:

رئیس‌جمهوری ادامه داد: مدیران و مسئولان ما باید این باور را داشته باشند که نپذیرند بچه‌های ما با کیفیت کمتر آموزش ببینند. نمی‌توانم قبول کنم کلاس‌هایی که ما در آن بچه‌هایمان را آموزش می‌دهیم پایین‌تر از کلاس‌هایی باشد که آن طرف آب بچه‌ها را آموزش می‌دهند. اگر دولت پول ندارد، مردم که می‌توانند کمک کنند. هیچکس نمی‌خواهد فرزندش بد آموزش ببیند و ناتوان باشد. این ما هستیم که نمی‌توانیم آنان را درست تربیت کنیم و به جایی هدایتشان می‌کنیم که نمی‌توانند شغلی پیدا کنند. آنان مقصر نیستند ما مقصر هستیم و باید این روند را تغییر دهیم.

پزشکیان تصریح کرد: اینکه من در کلاس درست درس دهم والگو و نمونه شوم، اینکه روش‌های جدید و مهارت‌ها را به بچه‌ها آموزش دهم، ربطی به تحریم ندارد، به علم و انگیزه و باور ما ربط دارد.

نمی‌توان از پایان درگیری در منطقه سخن گفت؛

ایران، گذرگاه صلح در خاورمیانه ملتهب



حرکت کند. همچنین ممکن است آمریکا و ترامپ هم برای پیشبرد اهداف خود در قبال ایران، از ابزار اسرائیل برای آغاز یک جنگ تازه در منطقه بهره‌برد. در نهایت باید یادآور شد که برقراری آتش‌بس فعلی نتیجه فشارهای آمریکا بوده است و در مورد ایران، تا زمانی که توافق مشخصی میان تهران و واشنگتن حاصل نشده، نمی‌توان با قطعیت گفت درگیری مجدداً آغاز نخواهد شد. با این حال، اینکه آتش‌بس فعلی مقدمه درگیری جدیدی باشد، تا حدی محل تردید است. احتمال دارد چنین اتفاقی نیفتد و در روند موجود نه غزه به آتش‌بس کامل برسد و نه اسرائیل و آمریکا تمایلی به آغاز دیگری داشته باشند. البته، برای ارزیابی دقیق‌تر باید اطلاعات بیشتری از اهداف طرف مقابل در دست داشت. این امر نیازمند دیپلماسی فعال و گفت‌وگوهای مؤثر با کشورهای تأثیرگذار است تا روشن شود آیا واقعاً قصد درگیری وجود دارد یا تمایل به توافق و کاهش تنش.

پس از هفت اکتبر و افزایش جنایات اسرائیل در غزه و جنگ در منطقه، نگاه کشورهای منطقه به تهدید اصلی تغییر پیدا کرد و به نوعی ایران از کانون توجه خارج و اسرائیل به تهدید اصلی تبدیل شد. آیا با برقراری صلح ممکن است کشورهای منطقه در رویکرد خود به ایران تغییری ایجاد کنند؟

واقعیت آن است که آخرین بیانیه شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا مؤید همین نگرانی‌هاست و نشان می‌دهد که موضوع هسته‌ای و نیز موشکی و امنیتی به عنوان نگرانی کشورهای منطقه مطرح شده و موضوع جزایر سه‌گانه باشد بیشتر نسبت به گذشته مورد تأکید قرار گرفته و ادعای «مداخلات ایران در منطقه» نیز در کنار موضوعات موشکی و امنیتی تکرار شده است.

در صورتی که آنچه ترامپ مطرح کرده، یعنی اجرای طرح «ابراهیم» بیش‌برود و عربستان نیز به روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل بپیوندد، این احتمال وجود دارد که پس از عربستان، سایر کشورهای عربی و حتی کشورهای مسلمان دوت‌ر مانند پاکستان که متحد نظامی عربستان، مالزی و اندونزی نیز به این روند ملحق شوند. در چنین شرایطی، آنچه تهدید ایران خوانده می‌شود بیش از پیش منحصراً به فرد شده و تهدید اسرائیل در نگاه اعراب کاهش می‌یابد.

به این ترتیب، محورهای منطقه‌ای نیز دچار بازتعریف شده و به جای تنش در محور عربی-اسرائیلی، در محور ایرانی-عربی تنش افزایش یابد و اسرائیل از این موضوع سواستفاده کرده و محور ایرانی-اسرائیلی را هم تنش بکشاند. تنها راه جلوگیری از این وضعیت، ورود ایران به گفت‌وگوهای جدی‌تر و دستیابی به توافق‌های مؤثر با اروپا و عرب است. در این صورت، ایران می‌تواند کشورهای عربی را در موقعیتی قرار دهد که نتوانند از اختلافات تهران با اسرائیل سوءاستفاده کنند.

این تغییر رویکرد را به نفع خود تفسیر و در تبلیغاتش بزرگ‌نمایی کند، اما واقعیت آن است که تفاوت محسوسی میان مواضع کنونی ایران با مواضع یک یا دو سال گذشته وجود دارد و همین تفاوت‌ها برای طرف آمریکایی مشهود بود و از سوی ترامپ بزرگ می‌شود. تصمیم نتانیا‌هو پس از پایان درگیری در غزه چه خواهد بود؟ با توجه به اینکه برخی نگرانی‌هایی درباره احتمال درگیری با ایران پس از فراغت از غزه را هم مطرح می‌کنند.

ابتدا باید دید مراحل بعدی طرح ترامپ چگونه اجرا می‌شود، به‌ویژه با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای حماس اسر بودند. اکنون باید مشخص شود سرنوشت این موضوع و نیز نحوه اداره غزه چه خواهد شد. زیرا ممکن است پس از آزادی اسر، اسرائیل مجدداً با بهانه‌های مختلف درگیری را از سر بگیرد. این خود سؤالی جدی است.

از سوی دیگر در لبنان هر چند آتش‌بس برقرار شده اما فشار اسرائیل بر آمریکا برای خلع سلاح حزب‌الله همچنان ادامه دارد و اسرائیل تلاش می‌کند کنترل سلاح را به دولت و ارتش این کشور بسپارد. در نتیجه، احتمال دارد اسرائیل با توجه‌های امنیتی مجدداً لبنان را هدف قرار دهد. در مورد یمن نیز وضعیت به طور کامل خاتمه نیافته و ممکن است اسرائیل در آنجا نیز وارد درگیری شود، به‌ویژه اکنون که از وضعیت غزه تا حدودی آسوده شده است.

در خصوص ایران نیز این بحث مطرح است که آیا احتمال آغاز جنگ وجود دارد یا خیر. در حال حاضر تنه‌ای توان گفت که نوعی توقف درگیری در منطقه شکل گرفته است. توافق مشخصی میان ایران، اسرائیل و آمریکا برای برقراری آتش‌بس جامع وجود ندارد، بنابراین نمی‌توان گفت درگیری به‌طور کامل پایان یافته است. با این حال، ممکن است نتانیا‌هو، به دلایل داخلی یا فشارهای سیاسی، به سمت درگیری جدید

آکنون نیز فشارهای آمریکا ادامه دارد و به نظر می‌رسد اهداف ترامپ، چه در عرصه داخلی و چه در سطح بین‌المللی، در پذیرش این توافق تأثیرگذار بوده است. در حال حاضر، مسئله آتش‌بس و پایان جنگ دو ساله مطرح است، اما اینکه آیا این وضعیت به صلح پایدار منجر خواهد شد یا خیر، هنوز مشخص نیست. سؤال این است که آیا اسرائیل واقعا می‌تواند حاسب را از نظر نظامی نابود کرده و نظام سیاسی جدیدی در غزه ایجاد کند؟ این موضوع همچنان در حال مذاکره است.

سوی دیگر، با توجه به شرایط موجود، به نظر می‌رسد که طبق این توافق، اسرائیل کنترل بخش‌هایی از غزه را نگه دارد و به این ترتیب محاصره غزه پایان نمی‌گیرد. موضوع کرانه باختری نیز در دستور کار این مذاکرات نیست و به آینده موکول شده است. باید دید آیا در نهایت توافق جامعی حاصل می‌شود یا پس از مدتی آتش‌بس دوباره فرو می‌پاشد و شاهد درگیری‌های جدید خواهیم بود.

ترامپ پس از برقراری این صلح از ایران هم قدر دانی کرده، رویکرد تهران در ماه‌های منتهی به آتش‌بس در غزه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ترامپ گاهی از آرزوها و برداشت‌های شخصی خود سخن می‌گوید و آن را به طرف مقابل نسبت می‌دهد. اما باید توجه داشت که بیانیه ارائه شده از سوی وزارت امور خارجه درباره آتش‌بس در غزه با موارد مشابه در سال‌های قبل متفاوت بود و وزارت خارجه ایران از توافق حماس و گروه‌های فلسطینی حمایت کرده، اگرچه همچنان انتقادهایی به اسرائیل وارد می‌دانم. برخلاف گذشته، دیگر از موضوعاتی مانند نابودی کامل اسرائیل یا آزادی تمام خاک فلسطین در مواضع رسمی به‌ویژه پس از جنگ دوازده روزه خبری نیست و این تفاوت‌ها را آمریکا هم درک کرده است. از دیدگاه آن‌ها به نظر می‌رسد ایران خواستار پایان جنگ و برقراری آرامش در منطقه است، هر چند ترامپ ممکن است

در حال حاضر اتفاق روی داده در غزه را نمی‌توان صلح نامید و می‌توان گفت در این مرحله آتش‌بس برقرار شده است. هم‌بنیامین نتانیا‌هو نخست‌وزیر اسرائیل و هم جنبش حماس در ابتدای ۱۷ اکتبر دو سال پیش، شروطی را مطرح کرده بودند: نابودی و خلع سلاح حماس، آزادی گروگان‌ها و تعیین حکومت آینده غزه بر اساس شرایط مورد نظر اسرائیل، شروط نتانیا‌هو بود و در مقابل، طرف فلسطینی نیز خواستار رفع محاصره غزه، آزادی زندانیان سیاسی و توقف تجاوزات اسرائیل به کرانه باختری و مسجدالاقصی بود.

بر اساس توافق صورت‌گرفته، آزادی گروگان‌ها ظاهراً محقق خواهد شد و در مقابل، تعداد قابل‌توجهی از زندانیان فلسطینی در زندان‌های اسرائیل آزاد می‌شوند. فاز نخست این توافق شامل آتش‌بس کوتاه‌مدت و آزادی گروگان‌ها و زندانیان سیاسی است؛ اما فازهای بعدی هنوز مشخص نیست و باید دید در ادامه چه خواهد شد.

به نظر می‌رسد ادامه جنگ برای هر دو طرف دیگر ممکن نبود. از ماه‌های پیش، حماس خواستار برقراری آتش‌بس کامل بود. از سوی دیگر، اسرائیل نیز با توجه به هزینه‌های سنگین وروده به شهری با جمعیتی حدود یک میلیون نفر غزه و فشار افکار عمومی و بین‌المللی، ناچار شد در این مسیر گام بردارد. در همین راستا، ترامپ نیز به اسرائیل فشار آورد تا این طرح را بپذیرد. در واقع، تنها طرفی که می‌توانست اسرائیل را وادار به پذیرش طرح کند، دولت آمریکا بود. همان‌طور که در موارد مشابه مانند جنگ ۲۳ روزه و دیگر درگیری‌های گذشته نیز شاهد بودیم، فشارهای آمریکا نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند.

عباس مهدوی، پژوهشگر

تکرار ادعای واهی و بی‌پایه اماراتی‌ها بر مالکیت جزایر سه‌گانه خلیج فارس که در بیانیه شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا مطرح شده، یک بار دیگر ضرورت توجه مسئولان کشور به بهره‌گیری از ظرفیت گردشگری و به جریان افتادن سفر به این جزایر با گسترش زیرساخت‌ها را برای پایان دادن به این شیطنت اماراتی‌ها پررنگ کرده است.

ماجرای چشم‌دوزی اماراتی‌ها به جزایر سه‌گانه ایرانی تمامی ندارد. در بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا آمده است که ایران به اشغال سه جزیره متعلق به امارات متحده عربی، یعنی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی پایان دهد.

امارات از هر فرصتی برای طرح این ادعای بی‌اساس استفاده می‌کند و حالا هم که روابط ایران با اتحادیه اروپا به دلیل کارشکنی اروپایی‌ها دچار چالش شده، اماراتی‌ها زمینه را برای طرح دوباره این شیطنت فاقد وجاهت قانونی و تاریخی مناسب دیده‌اند. اگرچه این بیانیه نیز همچون سایر ادعاهای مطرح‌شده ارزش پرداخت و تحلیل را برای ایرانیان ندارد و در خیال خام اماراتی‌ها

سخنگوی وزارت خارجه مطرح کرد:

تأکید ایران بر گفتگو و خویشتنداری برای کاهش تنش میان کابل و اسلام‌آباد

سخنگوی وزارت خارجه با ابراز نگرانی از تحولات اخیر میان پاکستان و افغانستان، بر احترام متقابل و حل‌وفصل اختلافات از طریق دیپلماسی تأکید کرد.

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با اشاره به تنش‌های اخیر میان پاکستان و افغانستان، خواستار خویشتنداری دو طرف و آغاز فوری گفتگوهای دوجانبه با هدف کاهش تنش‌ها شد.

وی با تأکید بر اهمیت احترام به تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی دو کشور همسایه، اظهار کرد: ضروری است هر دو طرف از اقداماتی که به تشدید تنش می‌انجامد خودداری کرده و مسیر گفتگو و تفاهم را برای حل‌وفصل اختلافات انتخاب کنند.

بقائی افزود: جمهوری اسلامی ایران همواره برای حفظ صلح و ثبات در منطقه اهمیت ویژه‌ای قائل است و آماده هرگونه مساعدت برای کاهش تنش و تسهیل در گفتگو میان پاکستان و افغانستان است.

وی در پایان بر ضرورت تلاش جمعی کشورهای منطقه برای جلوگیری از گسترش ناامنی و تقویت ثبات تأکید کرد.

نماینده مردم تهران:

مقصران قرارداد ننکین کرسنت محاکمه شوند

نماینده مردم تهران در مجلس گفت: با توجه به اینکه امروز شاهد تبعات قرارداد ننکین کرسنت هستیم، قوه قضائیه باید مقصران آن را محاکمه کند. محمد سراج در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در نطق میان دستور خود، اظهار کرد: امروز رژیم صهیونیستی از درون، شکننده‌تر و از بیرون و در جامعه جهانی، بی‌آبروتر شده و ظلم هیچگاه باقی نمی‌ماند.

نماینده مردم تهران در مجلس در ادامه، گفت: امروز شاهد تبعات قرارداد ننکین کرسنت هستیم که مصادره بیش از ۲ میلیارد دلار در بانک مالزی و ساختمان زنگنه که ژنرال کاغذی است، باید به عنوان عاملان اصلی این قرارداد ننکین محاکمه شوند، چرا که هر سه نفر مطلع بوده و در حالی که مسئولیت داشتند هیچ اقدامی نکردند.

وی در مطلب دیگری، گفت: رئیس‌جمهور جاهل آمریکا، ادعای صلح می‌کند اما از ۲۰۰ مشاور او، تنها یک نفر وجود دارد که جنگ طلب نیست، لذا ادعای صلح طلبی آنها به سرانجام نمی‌رسد. مشکل دشمنان صرفاً ایران هسته‌ای نیست، بلکه مشکل آنها ایران قوی است و از هر حربه‌ای برای ضربه به ما استفاده می‌کنند، پس باید در برابر آن‌ها بااستیم.

شرط مصر

برای مشارکت امنیتی در غزه

منابع دیپلماتیک اعلام کردند که دولت مصر آمادگی خود را برای حضور در طرح‌های امنیتی مربوط به نوار غزه اعلام کرده، اما این حضور را منوط به صدور مجوز رسمی از سوی شورای امنیت و نظارت مستقیم این نهاد دانسته است.

مصر اعلام کرده است که آماده مشارکت در ترتیبات امنیتی مربوط به نوار غزه در قالب طرحی بین‌المللی و تحت نظارت مستقیم سازمان ملل متحد است.

طبق گزارش روزنامه العربی الجدید، به گفته منابع مطلع، قاهره این موضوع را در روزهای اخیر در جریان تماس‌ها و گفت‌وگوهای چندین‌جانبه با واشنگتن، دوحه، تل‌آویو و همچنین با کشورهای عربی و اروپایی درگیر در روند پس از مرحله نخست توافق صلح اعلام‌شده از سوی رئیس‌جمهور آمریکا به صورت روشن مطرح کرده است.

منابع یادشده افزودند که مصر بر این موضوع با فشاری کرده است که هرگونه حضور نیروهای امنیتی یا مأموریت نظارتی در غزه باید بر پایه تصمیم رسمی شورای امنیت سازمان ملل باشد، نه از طریق توافق‌های دوجانبه یا ابتکارهای یک‌جانبه.

این شرط، اساس موضع رسمی قاهره در مورد مشارکت امنیتی در غزه به شمار می‌رود.

وحدت رویه اقتصادی کلید مقابله با «مکانیزم ماشه»

رحمان سعادت کارشناس مسائل اقتصادی

تحریم یک واقعیت و اثراتش روی طبقه متوسط و متوسط به پایین جامعه واقعیت اجتناب ناپذیر است و نمی توان آن را نادیده گرفت. توسل به شعار 'بی اثر یا کم اثر بودن تحریم و مکانیزم ماشه' گرچه تا حدودی می تواند به لحاظ روانشناسی اجتماعی در کوتاه مدت بر آرامش نسبی مردم تأثیرگذار باشد، اما در بلندمدت عملکرد نهادهای مسئول مانند بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه در رضایت و آسایش نهایی مردم تعیین کننده است.

اولین نگرانی از اثر فعال شدن «مکانیزم ماشه»، حرکت قیمت ها به سمت بالا ناشی از افزایش قیمت ارز است. یکی از مهم ترین و رایج ترین سیاست های ارزی، تثبیت نرخ ارز است و وقتی استفاده می شود که تورم شدیدی در پیش باشد و آزاد کردن نرخ ارز عملاً قیمت ها را از چارچوب منطقی خارج می کند.

تثبیت فی النفسه خوب است، اما تثبیت نرخ ارز تبعاتی نیز در پی دارد. از مهم ترین اهداف اقتصاد کلان ثبات اقتصادی و وظیفه بانک مرکزی کنترل تورم و قیمت هاست که بی ارتباط با تثبیت ارزی نیست.

در حالی که بانک مرکزی دنبال تثبیت نرخ ارز است، باید قیمت ها نیز تثبیت شود، در غیر این صورت تعادل اقتصادی به هم می خورد، زیرا اگر سایر قیمت ها افزایش یابد و قیمت ارز بالا نرود، قیمت کالاها ی مرتبط با ارز افزایش نمی یابد و در نتیجه بخشی از تولیدکنندگان و به ویژه صادرکنندگان نمی توانند سود لازم کسب کنند. در پی آن انگیزه تولید کاهش می یابد و رشد اقتصادی کند می شود. در شرایط فعلی، در یک سمت بانک مرکزی با سیاست تثبیت قرار دارد و در سوی دیگر وزیر امور اقتصادی و دارایی بایستی به فکر تولید و صادرات باشد. رونق تولید و تأمین معاش مردم نیاز به برنامه ریزی دقیق دارد.

نگرانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص معیشت مردم و تولیدکنندگان و آثار منفی «مکانیزم ماشه» سبب شده که مجلسی ها مدیران کلان اقتصادی، یعنی رئیس کل بانک مرکزی و وزیر امور اقتصادی و دارایی را به کمیسیون ها برای توضیحات لازم فرا بخوانند.

وزیر امور اقتصادی و دارایی از طرحی برای خنثی سازی «مکانیزم ماشه» خبر می دهد و معتقد است که فعال شدن این مکانیزم جریان تأمین مالی کالاهای اساسی را با مشکل مواجه می کند. در این مواقع معمولاً چند روش اتخاذ می شود؛ یکی از این روش ها تسریع در تأمین ارز مورد نیاز واردات است. کالاهای اساسی بازار ۲۸.۵ هزار تومانی و ارز سایر کالاها در مرکز مبادله تأمین می شود. وزیر در شرایط فعلی به فکر تأمین معیشت و کالاهای اساسی و معتقد است، بخش عمده ای از کالاهای مورد نیاز از گمرک تهیه می شود و معطل شدن کالا در گمرک هزینه های تمام شده کالا را افزایش می دهد. از نظر وزیر جدید مدت زمان ایده آل ترخیص کالا سه روز است. وی وعده ترخیص سه روزه را به فعالان اقتصادی داده است و یکی از راه های مقابله با تبعات فعال شدن «مکانیزم ماشه» را تحول و تسریع در فرایند گمرکی و اقتصاد دیجیتال می داند.

اما برنامه رئیس کل بانک مرکزی برای شرایط حساس فعلی به گونه ای دیگر است. در همین راستا وی مأموریت بانک مرکزی را «تأمین ارز بدون وقفه» می داند تا فعال شدن اسنپ یک به افزایش قیمت ها منجر نشود. گرچه وی نتوانسته نرخ ارز از زمانی که در مسند ریاست بانک مرکزی قرار گرفته است، تثبیت کند؛ اما نظم مناسبی به ساختار بانکی داده است.

به هر حال بانک ها در صورت عدول از قوانین پولی و بانکی ممکن است مشکلات اقتصادی را افزایش دهند و نیاز به نظارت مداوم بانک مرکزی دارند. به نظر می رسد ساختارهای امنیتی بانکی بعد از جنگ تحمیلی ۱۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان و آسیب هایی که برخی بانک ها دیدند، تقویت حفاظت و اذات اموال و دارایی های مردم بهتر است.

اما اکنون که در فصل پاییز قرار داریم، مهر ماه نه تنها فصل شروع مدارس، بلکه از دید مدیریت دولتی فصل آغاز تنظیم و تدوین بودجه است. فعالیت سازمان مدیریت و برنامه ریزی دو چندان خواهد بود. به هر حال بودجه ۱۴۰۴ با آسیب هایی مواجه شد و شرایط کشور با سال گذشته تفاوت هایی پیدا کرده است. لذا سازمان مدیریت و برنامه ریزی بایستی بودجه ۱۴۰۵ را با توجه به تبعات «مکانیزم ماشه» تنظیم کند و مهم ترین محور بایستی تأمین معاش اولیه مردم و گسترش چتر کالبرگ های الکترونیکی برای عموم باشد.

خبر ویژه

رئیس امور داخلی کشور و شورا‌های مجلس گفت: در صورت حساب الکترونیکی هر تراکنش قابل ردیابی است و تخلفات و فساد‌های مالی کاهش می‌یابد.

محمد صالح جوکار نماینده مردم یزد در مجلس شورای اسلامی در خصوص صورت حساب الکترونیکی و مزایای آن بیان کرد: موضوع الکترونیکی شدن صورت حساب‌ها و صدور فاکتور‌های دیجیتال‌ی تأثیر بسیار مثبتی در افزایش شفافیت فعالیت‌های اقتصادی دارد. هوشمندسازی و الکترونیکی کردن فرآیند اخذ مالیات بر ارزش افزوده بسیار اقدام مهمی است و در راستای تحقق عدالت مالیاتی است و این رویکرد هوشمندسازی باید در حوزه‌های مختلف اداری و اقتصادی نیز انجام شود زیرا هوشمندسازی نظام مالیاتی زمینه ساز اعتماد سازی در جامعه را فراهم می‌کند. اولین اثر جدی هوشمندسازی اخذ مالیات بر ارزش افزوده، مقابله با فرارهای مالیاتی در کشور است و صورت حساب الکترونیک در کاهش میزان فرار مالیاتی بخش مالیات بر ارزش افزوده نقش

گزارش «روزگار» از پازل چند شغله ها در ایران

حرکت نظام آماری عقب تر از واقعیت



بزرگ است. نتیجه این شکاف روش شناختی این است که اعداد و امار تمیز، اما کم گو هستند.

چنان که هم زمانی «هفته مرجع»، خوداظهاری افراد (که ممکن است به دلایل مالیاتی/بیمه‌ای از ذکر شغل دوم پرهیز کنند)، ابهام در پرسش نامه بین «اضافه کاری» و «شغل دوم»، و نام‌یاداری شغل‌های پلتفرمی و پاره وقت، همه باهم باعث می شوند برآورد رسمی از چندشغله‌ها به طور سیستماتیک کم برآورد شود.

گیگ ورک هایی که نادیده گرفته می شوند

اما باید توجه داشت که تجربه کشورهایی که به طور ویژه پیوست‌های پیمایشی درباره گیگ ورک به LFS اضافه کرده‌اند، نشان می‌دهد وقتی ابزار سنجش دقیق‌تر می‌شود، تصویر واقعی تراز چندشغله‌ها و مشاغل پاره وقت آشکار می‌شود.

برای درک بهتر این موضوع باید تعریف دقیقی از گیگ ورک داشت. به گزارش اندازه‌گیری را به صادر می‌آورد، نه صرفاً تفاوت ساختار اقتصادی. پس سؤال بنیادین این است: چطور مرکز آمار به رقم عجیب ۱.۳ درصد در شهرها رسیده است؟

به نظر می‌رسد که پاسخ در «تعریف» و «روش اندازه‌گیری» نهفته است. چنان که مهدی بازوکی، اقتصاددان نیز اینطور توضیح می‌دهد: «بر اساس راهنمایی‌های رسمی مرکز آمار، طرح آماری نیروی کار (LFS) با هفته مرجع

و در ماه میانی هر فصل انجام می‌شود و بخشی از پرسش‌ها دقیقاً به «فعالیت در همان هفته» مربوط است.» بنابراین اگر کسی مثل مهدی، در هفته مرجع به هر دلیل رانندگی نکرده باشد یا آن فعالیت را «اضافه کاری شغل اصلی» بداند نه «شغل دوم» در شمارش چندشغله‌ها دیده نمی‌شود. این در حالی است که از سوی دیگر، تعاریف بین‌المللی اشتغال و چندشغله بودن (آن‌طور که سازمان بین‌المللی کار (ILO) وضع کرده) تأکید می‌کند «شغل دوم» فقط زمانی شمرده می‌شود که فرد در دوره مرجع واقعاً فعالیتی مجزا و در ماه میانی هر فصل انجام می‌شود و بخشی از پرسش‌ها دقیقاً به «فعالیت در همان هفته» مربوط است.»

بنابراین اگر کسی مثل مهدی، در هفته مرجع به هر دلیل رانندگی نکرده باشد یا آن فعالیت را «اضافه کاری شغل اصلی» بداند نه «شغل دوم» در شمارش چندشغله‌ها دیده نمی‌شود. این در حالی است که از سوی دیگر، تعاریف بین‌المللی اشتغال و چندشغله بودن (آن‌طور که سازمان بین‌المللی کار (ILO) وضع کرده) تأکید می‌کند «شغل دوم» فقط زمانی شمرده می‌شود که فرد در دوره مرجع واقعاً فعالیتی مجزا و در ماه میانی هر فصل انجام می‌شود و بخشی از پرسش‌ها دقیقاً به «فعالیت در همان هفته» مربوط است.»

بنابراین اگر کسی مثل مهدی، در هفته مرجع به هر دلیل رانندگی نکرده باشد یا آن فعالیت را «اضافه کاری شغل اصلی» بداند نه «شغل دوم» در شمارش چندشغله‌ها دیده نمی‌شود. این در حالی است که از سوی دیگر، تعاریف بین‌المللی اشتغال و چندشغله بودن (آن‌طور که سازمان بین‌المللی کار (ILO) وضع کرده) تأکید می‌کند «شغل دوم» فقط زمانی شمرده می‌شود که فرد در دوره مرجع واقعاً فعالیتی مجزا و در ماه میانی هر فصل انجام می‌شود و بخشی از پرسش‌ها دقیقاً به «فعالیت در همان هفته» مربوط است.»

پایانی بر فرار مالیاتی با هوشمندسازی اخذ مالیات بر ارزش افزوده

چشمگیری خواهد داشت. محمد صالح جوکار در ادامه تصریح کرد: الکترونیکی کردن صورت حساب‌ها در صرفه جویی زمان اثر مثبت دارد. ارسال در لحظه ای فاکتورها از طریق سیستم‌های الکترونیکی سبب می‌شود برای انجام اموری نیازی به حضور فیزیکی افراد نباشد. همچنین صورت حساب‌های الکترونیکی خطر مخدوش شدن فاکتور‌ها را از بین می‌برد و افراد دیگر نگران نگهداری از آن‌ها نیستند، مودیان در هر زمان که تمایل داشته باشند می‌توانند به آسانی به اطلاعات دسترسی پیدا کنند و در صورت لزوم آن‌ها را بازیابی کنند.

وی در ادامه افزود: سیستمی انجام‌شدن امور سبب کاهش خطای انسانی و اعمال سلیقه‌ای می‌شود. در ثبت سیستمی برای صدور فاکتورها از قالب‌های استاندارد استفاده و امکان اشتباه کم می‌شود، همچنین اطلاعات ثبت شده در فاکتور به صورت خودکار اعتبارسنجی می‌شود. در واقع با الکترونیکی کردن صورت حساب‌ها میزان دقت و امنیت افزایش می‌یابد.

همین مساله «کوری ثبتی» باعث می‌شود پرسش نامه خنأور تنها پنجره مشاهده باشد. آن هم پنجره‌ای که نه تنها محدود است، بلکه پر از خطای خوداظهاری است. در چنین شرایطی اگر ثبت‌های اداری بی‌نام‌سازی شده به دست مرکز آمار برسد، می‌توان تطبیق‌های متقاطع انجام داد: آیا شاغلان با بیمه اصلی، حق بیمه دیگری یا تراکش‌های درآمدی مستقل دارند؟ آیا کد ملی/شناسه یکتا در اسناد مالیاتی، رد شغل دوم را نشان می‌دهد؟ این تطبیق‌ها، سقف دقتِ پیمایش نمونه‌ای را می‌شکند.

البته باید توجه کرد که اشکال، صرفاً نمونه‌گیری نیست، هرچند در نمونه‌گیری هم چالش داریم (همچون مواردی نظیر پوشش جغرافیایی، وزن دهی، عدم پاسخ)، اما مساله پررنگ‌تر، هماهنگی تعاریف و ابزار سنجش است. وقتی در یک پرسش نامه «ساعات اضافه کاری» و «شغل دوم» به روشنی تفکیک نشوند، یا «فعالیت پلتفرمی» مثال نداشته باشد، افراد به خطا خود را تک شغله معرفی می‌کنند و همچنین هفته مرجع برای سنجش پدیده‌های نامنظم (مثل گیگ ورک‌ها و شغل‌های موقت و فصلی) کافی نیست.

از سوی دیگر فاصله زمانی انتشار و تجدید نظر‌های غیرمستند در برخی سری‌ها، حس «آشفتنگی» می‌دهد. نمونه کلاسیک این مثال نیز، آمارهای مربوط به نرخ تورم است که اختلاف بانک مرکزی و مرکز آمار، بارها به سوژه خبری بدل شده است.

به نظر می‌رسد اصلی ترین راه حل استانداردسازی تعاریف (با اتکا به استانداردهای ILO، انتشار منظم مستندات روش‌شناسی و خطای نمونه‌گیری، و یکپارچگی نهادی در اعلام شاخص‌های کلان.

آمار خوب، جاده صاف کن سیاست‌گذاری است

داستان مهدی که در ابتدای گزارش خواندید، اما تنها یک نمونه است از هزاران مورد مشابه. مساله این است که نه نمونه مورد اشاره، که واقعیت اقتصاد ایران در آمار رسمی «کم رنگ» شده و چندشغله‌هایی که دیده نمی‌شوند، تومری که در روایت دارد و ثبت‌های اداری که هنوز به زبانی مشترک نرسیده‌اند، حالا بحران آمار‌های ارائه شده هستند. عده‌های تمیز خوب‌اند، اما بازتاب زندگی را نیز در این آمار لازم داریم و تا وقتی پرسش نامه‌ها با جهان واقعی پلتفرم‌ها و شغل‌های پاره وقت و نامنظم آشتی نکنند و ثبت‌های اداری با شناسه یکتا به شبکه‌ای آماری تبدیل نشوند، هر برنامه توسعه‌ای روی «یخ نازک داده‌ها» قدم می‌زند.

راه نیز در این میان روشن است. همان‌طور که مهدی بازوکی، کارشناس تحلیلگر اقتصادی توضیح می‌دهد، راه حل در تعریف‌های واحد، شفافیت روش شناختی، ایجاد آمار ثبتی یکپارچه و افزودن پیوست‌های نوآورانه نهفته است.

اگر این روندها تحقق یابد، آن‌گاه حتی اگر باز هم عدد «چندشغله‌ها» افزایش پیدا کند، جای نگرانی نخواهد بود؛ زیرا این بار نه به دلیل وخامت اوضاع، بلکه به این دلیل که واقعیت را بالاخره درست دیده‌ایم.

گزارش

استیضاح وزیر کار؛ آزمونی تکراری برای معیشت کارگران؟

استیضاح وزیر کار بار دیگر به بحثی داغ در مجلس و جامعه کارگری تبدیل شده است. فعالان کارگری می‌گویند تا زمانی که اصلاح ساختاری در سیاست‌های وزارت کار انجام نشود، تغییر وزیران تأثیری بر سرفره‌های خالی کارگران ندارد و تنها بی‌ثباتی مدیریتی رانکار می‌کند.

در روزهایی که مجلس شورای اسلامی بار دیگر درگیر استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، فضای عمومی جامعه به‌ویژه در میان کارگران با نگرانی و تردید همراه شده است.

بسیاری از فعالان کارگری بر این باورند که تغییر مکرر وزیران بدون اصلاح سیاست‌ها و ساختارها، تنها نام‌ها را جابه‌جا می‌کند و نتیجه‌ای در سرفره کارگران ندارد.

نگاه جامعه کارگری به استیضاح

احسان سهرابی، فعال کارگری، در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأکید کرده است: «نمایندگان مجلس می‌گویند استیضاح به نفع مردم است، اما کارگران می‌پرسند اگر وزیر برای اعتماد همین مجلس منصوب شده، چرا پس از چند ماه، عملکرد ضعیف خوانده می‌شود؟ آیا هدف اصلاح امور است یا رقابت سیاسی؟»

او می‌گوید در شرایطی که حقوق‌ها عقب‌افتاده، قراردادهای موقت و گرانی افسارگسیخته بر زندگی کارگران سایه انداخته، این دست از استیضاح‌ها بیشتر از آنکه امیدبخش باشند، نشانه بی‌ثباتی مدیریتی هستند.

استیضاح وزیر کار در قانون و واقعیت

بر اساس اصول ۷۶ و ۸۹ قانون اساسی، مجلس اختیار سؤال، تحقیق و تفحص و استیضاح را دارد؛ اما کارشناسان می‌گویند استفاده از این ابزار باید در مسیر اصلاح ساختار و شفافیت عملکرد باشد، نه تکرار آزمون و خطا در مسیر اداره کشور.

در عمل اما، برخی ناظران معتقدند که این فرآیند گاهی به میدان رقابت‌های سیاسی تبدیل می‌شود و نتیجه‌ای ملموس برای جامعه کارگری ندارد.

مشکل در کجاست؟ ساختار یا مدیر؟

سهرابی با اشاره به عملکرد وزارت کار می‌گوید: «در حوزه معاونت روابط کار که قلب تپنده وزارتخانه است، نشانه‌ای از تحرک و اصلاح سیاست‌ها دیده نمی‌شود. نبود هماهنگی بین بخش‌های مختلف، تصمیم‌گیری و ضعف در اجرای برنامه‌های حمایتی، از عوامل نارضایتی بدنه کارگری است.»

به گفته او، تغییر مدیران بدون اصلاح ساختارها، درمان موقتی برای یک بیماری مزمن است؛ زیرا مشکل اصلی در سیاست‌گذاری، نظام تصمیم‌سازی و نبود پاسخ‌گویی شفاف است.

کارگران: ستون اقتصاد و فراموش شدگان تصمیم‌ها

کارگران همواره ستون فقرات اقتصاد کشور بوده‌اند، اما فشار تورم، نبود امنیت شغلی و بی‌ثباتی در سیاست‌ها تاب‌آوری آن‌ها را کاهش داده است. سهرابی هشدار می‌دهد: «اگر این ستون زیر بار بی‌اعتمادی و بی‌عدالتی بیامد، پیامد آن فقط دامنگیر کارگران نخواهد بود، بلکه کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

راهکار: از شعار تا اصلاح واقعی

به باور کارشناسان، اصلاح وضعیت معیشت کارگران نیازمند تصمیم‌هایی فراتر از جابه‌جایی مدیران است؛ بازنگری در ساختار وزارت کار و یکپارچگی تصمیم‌گیری میان بخش‌های مختلف. تدوین سیاست‌های پایدار حمایتی برای کاهش نابرابری و حفظ قدرت خرید کارگران. پرهیز از تصمیم‌های هیجانی و مقطعی در مجلس و دولت، توجه میدانی به واقعیت معیشت، مسکن و درمان نیروی کار به جای تمرکز صرف بر تغییرات مدیریتی.

جمع بندی

استیضاح وزیر کار اگر با هدف اصلاح سیاست‌ها، پاسخ‌گویی و شفافیت انجام شود، می‌تواند نقطه‌ای مثبت باشد؛ اما اگر درگیر چرخه رقابت‌های سیاسی شود، تنها نشانه‌اش تکرار بی‌ثباتی مدیریتی و تضعیف اعتماد کارگران خواهد بود. جامعه کارگری انتظار دارد تصمیم‌گیران به جای جابه‌جایی چهره‌ها، ساختارها را اصلاح کنند و به واقعیت سرفره‌های خالی نگاه کنند، نه به صندلی‌های مدیریتی.

پرداخت خسارت برقی چه شد؟

سحر بابایی / گروه انرژی

نوسانات و قطعی‌های اخیر برق به وسایل برقی برخی مشترکان آسیب زده است. این در حالی است که در قبوض برق مبلغی با عنوان «بیمه برق» برای جبران چنین خساراتی دریافت می‌شود و تأثیر اعلام کرده بیش از ۹۰ درصد خسارات سال گذشته پرداخت شده و روند اسمال نیز به زودی آغاز می‌شود. افزایش مصرف برق در تابستان و ناترازی میان تولید و تقاضا، سبب بروز نوسانات و قطعی‌های مکرر در برخی مناطق کشور شد؛ نوساناتی که خسارت‌های قابل توجهی به لوازم برقی برخی از مشترکان وارد کرد. در همین حال، پرسش اصلی بسیاری از مردم این است که «با وجود درج مبلغ بیمه در قبوض برق، خسارات ناشی از نوسانات چگونه و چه زمانی جبران می‌شود؟» بر اساس اعلام شرکت توانیر، طرح بیمه خسارات برق باهدف حمایت از حقوق مشترکان همچنان در حال اجراست و در سال گذشته بیش از ۹۰ درصد خسارات ثبت شده از محل این بیمه جبران شده است. طبق این طرح، مبلغ بیمه درج شده

در قبوض برق برای مشترکان خانگی ماهانه ۲۰۰ تومان و برای مشترکان تجاری ۲۰۰۰ تومان است. مبالغ جمع آوری شده در اختیار شرکت بیمه‌گری قرار می‌گیرد که در مناقصه رسمی برنده شده است تا خسارات ناشی از نوسانات با آتش سوزی‌های مرتبط با برق را پرداخت کند. عبدالامیر یاقوتی، مدیرکل دفتر مدیریت انرژی و برنامه‌ریزی امور مشتریان توانیر، در این خصوص به ایستنا گفت: در سال ۱۴۰۴ مبلغ بیمه بدون تغییر باقی مانده و شرکت بیمه آرمان به عنوان بیمه‌گر جدید انتخاب شده است. او همچنین از مکانیزه شدن روند رسیدگی به پرونده‌ها خبر داد و افزود: مشترکان می‌توانند با مراجعه به سامانه bime.tavanir.gov.ir اطلاعات مدارک خود را ثبت کنند تا پس از ارزیابی فنی، مبلغ خسارت مستقیماً به حسابشان واریز شود. وی تأکید کرد که فرآیند پرداخت خسارات سال جاری از حدود یک ماه آینده آغاز می‌شود و تا پایان دی ماه تمام پرونده‌های معوق تعیین تکلیف خواهد شد. همچنین پرونده‌های خسارت مربوط به سال ۱۴۰۳ که با بیمه دانادر حال رسیدگی است، در مراحل پایانی قرار دارد. در صورتی که خسارتی به وسایل یادارایی مشترکان بر اثر نوسانات یا حوادث برق وارد شود، امکان ثبت درخواست جبران از طریق سامانه بیمه توانیر وجود دارد. متقاضیان می‌توانند با مراجعه به سایت bimet.tavanir.org.ir یا از طریق جست و جوی عبارت «بیمه خسارات مشترکان توانیر» در موتورهای جست‌وجو، وارد صفحه مربوطه شوند. پس از ورود، لازم است شناسه قبض وارد و مدارک مرتبط با خسارت بارگذاری شود. اگر مشترک هزینه‌ای برای تعمیر یا خرید وسیله پرداخت کرده است، فاکتور آن باید ضمیمه درخواست شود. پس از ثبت اطلاعات، پرونده وارد مراحل بررسی کارشناسی، تعیین میزان خسارت، ثبت شماره شبا و نهایتاً پرداخت می‌شود. در مواردی که خسارت مربوط به آتش سوزی یا حوادث غیرمستقیم ناشی از برق باشد، در صورت تأیید نهادهای ذی صلاح مبنی بر اینکه منشأ حادثه برق بوده است، فرآیند پرداخت مطابق مستندات ارائه شده انجام می‌گیرد. برای ثبت درخواست، ارائه مدارک عمومی شامل تصویر آخرین قبض برق پرداختی یا پیامک صورتحساب، تصویر کارت ملی مشترک، و تصویر سند مالکیت یا اجاره‌نامه محل ضروری است. در صورت خسارت به تجهیزات، فاکتور تعمیرگاه یا فروشگاه مجاز (با مهر و امضا) و در صورت وجود، گزارش معتمد محل یا نیروی انتظامی نیز باید ارائه شود. در خسارت‌های ناشی از آتش سوزی، مدارکی مانند تصاویر محل حادثه، گزارش آتش‌نشانی و کلانتری، و در صورت وجود، پرونده دادگاه لازم است. برای حوادث ناشی از انفجار، مدارکی از جمله گزارش مقامات ذی صلاح، تصاویر محل، فهرست وسایل آسیب دیده و فاکتور تعمیرات مورد نیاز است. در خسارت‌های پزشکی، تصویر صورت حساب بیمارستان، مدارک پزشکی، گزارش نهاد‌های رسمی و پرونده‌های درمانی باید بارگذاری شود. در صورت نقص عضو یا فوت، مدارک هویتی، گزارش پزشکی قانونی، گواهی فوت، رأی محاکم قضایی و گواهی انحصار وراثت از الزامات بررسی است. بر اساس ضوابط این طرح، مشترکان تا ۱۵ روز پس از بروز حادثه یا نوسان برق فرصت دارند موضوع را به شرکت توزیع برق منطقه خود اطلاع دهند و مدارک را تحویل دهند تا در چارچوب قانونی مورد بررسی قرار گیرد.

مسعود ملک / گروه انرژی

در ۴ ماهه سرد سال که از ابتدای آذرماه تا پایان اسفندماه است و حتی گاها با سرمای زودرس هوا، فصل سرما به آبان ماه هم تسری پیدا می‌کند، ناترازی گاز تمامی ابعاد اقتصادی و اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از بخش‌های متأثر از ناترازی گاز، بخش نیروگاهی است که در زمستان سال گذشته، مردم خاموشی‌های زمستانه را به خوبی به یاد دارند. در فصل سرد سال به دلیل مصرف بالای گاز در بخش خانگی، گازرسانی به صنایع و نیروگاه‌ها محدود شده و نیروگاه‌ها مجبور به استفاده از سوخت جایگزین که برای تمامی نیروگاه‌های گازی و سیکل ترکیبی گازوئیل است، می‌شوند. در نیمه نخست هر سال باید تا بیش از ۸۰ درصد از ظرفیت ۲٫۲ میلیارد لیتری مخازن سوخت گازوئیل نیروگاه‌ها پر شود تا در دو ماهه مهر و آبان نیز با پرشدن باقی مانده آن، با مخازن پر وارد فصل سرد سال شویم. در ۶ ماهه نخست سال گذشته عقب‌ماندگی در پرشدن

در ۴ ماهه سرد سال؛

خاموشی‌های زمستانه بازمی‌گردد؟

ذخایر سوخت نیروگاه‌ها را شاهد بودیم و نتیجه آن در خاموشی‌های زمستان ۱۴۰۳ خود را نشان داد، در شروع مهرماه سال قبل، ۱٫۶ میلیارد لیتر ذخیره سوخت گازوئیل در نیروگاه‌ها داشتیم. در شروع مهرماه سال ۱۴۰۲، ۲٫۸ یا ۲٫۹ میلیارد لیتر ذخیره گازوئیل وارد مهرماه شدیم، اما اسمال در شروع مهرماه، برای نخستین بار تمامی ظرفیت ۲٫۲ میلیارد لیتری مخازن گازوئیل نیروگاه‌ها پر شده و با مخازن کاملاً پر داریم به استقبال فصل سرد سال می‌رویم. با پرشدن مخازن گازوئیل نیروگاه‌ها، این بستر وجود دارد که در سال جاری شاهد بروز خاموشی‌های زمستانه نباشیم، اما با توجه به اینکه با شروع فصل سرما، برداشت روزانه و مستمر از ذخایر سوخت مایع نیروگاهی انجام می‌شود و باید بین میزان گاز تحویلی و برداشت از ذخایر گازوئیل و اولویت‌دهی به تخصیص سوخت به نیروگاه‌های باراندمان بالاتر، یک هماهنگی موثر و مدیریت کارآمدی صورت بگیرد، تا این بستر موجود که با رکورد شکنی در پرشدن ذخایر گازوئیل نیروگاه‌ها منجر به عدم تکرار خاموشی‌های زمستانه شود.

موافقان و مخالفان چه می‌گویند

بارورسازی ابرها رویایی پرهزینه



وجود ندارد و فقط در حاشیه‌های شمالی یا غربی کشور می‌توان احتمال موفقیت اندکی برای آن قائل شد. عملیات بارورسازی ابرها فرآیندی کوتاه مدت است و نمی‌توان مثلاً امروز برای آن بذریاشی کرد و چند وقت بعد منتظر نتایج آن بود. این کار زمانی انجام می‌شود که ابرهای باران زادر منطقه حضور دارد و تأثیر آن ظرف چند ساعت مشخص می‌شود. «به گفته او، مطالعات نشان می‌دهد بارورسازی ابرها در صورت موفقیت، متوسط میزان بارش حدود ۱۰ درصد افزایش بارش انجام می‌شود. واقعیت این است که حتی اگر بارورسازی بتواند ۱۰ درصد بارش‌ها را افزایش دهد، باز هم تأثیر آن در مقیاس ملی ناچیز است. دلیل این امر آن است که به دلیل خشکسالی، متوسط میزان بارش حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش پیدا می‌کند و در نسبت با این رقم، بارورسازی نمی‌تواند راه‌حلی برای جبران خشکسالی باشد. ایران سالانه حدود ۲۵۰ میلیارد مترمکعب بارندگی دارد که در صد بالایی از آن تبخیر می‌شود. بخش عمده باقی‌مانده نیز به دلیل سدسازی‌های بی‌برنامه یا حتی برداشت بی‌رویه از زمین می‌رود. در چنین شرایطی، تمرکز بر افزایش موثری بارش، بدون حوازه‌های محدود آب و تغییرات ساختاری در حوزه مدیریت منابع آب، تغییری پایدار ایجاد نمی‌کند. از سوی دیگر

فرض کنید تمام سامانه‌های جوی که روی کشور فعال می‌شوند، امکان بارورسازی داشته باشند. بارش باید به عدد ۲۲۰ میلی‌متر برسد که این کار امکان پذیر نیست؛ مگر آنکه با اهدافی خاص در روی سدهایی خاص در مناطقی محدود کارهایی انجام بگیرد که بتواند مقداری قضایه را بهبود دهد. به نظر می‌رسد تا کید بیش از حد بر بارورسازی، نوعی فرار از پاسخ‌گویی درباره بحران ساختاری مدیریت آب است. همچنین آن طور که پیام ما گزارش داده، احد وظیفه، مسئول مرکز ملی پایش و هشدار خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی کشور ضمن بیان اینکه یکی از مشکلات اساسی بارورسازی دشواری در اثبات تأثیر واقعی آن است، تأکید کرد: «بارورسازی ابرها را باید به عنوان ابزاری محدود و کمکی در مدیریت منابع آب دید، نه یک راه‌حل قطعی برای خشکسالی. انتظار رفع بحران‌های بزرگ‌ابی از این روش، انتظاری غیرواقعی و خارج از توان علمی و عملی آن است.»

بارورسازی نهایتاً باعث افزایش ۱۰ درصدی بارش‌ها می‌شود

نیما فرید مجتهدی، متخصص آب و هواشناسی، توضیح داد: «بارورسازی ابرها نیازمند وجود ابرهای ناپایدار و هوای مرطوب است. در بیشتر مناطق مرکزی و فلات ایران چنین شرایطی

باید به برخی از ایرادات ساختاری اشاره کرد. در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان که همواره از مناطق هدف بارورسازی بوده‌اند، حتی در صورت افزایش بارش، به دلیل نبود سامانه‌های جمع‌آوری و ذخیره آب، اثر بارورسازی به سرعت از بین برود. در سیستان و بلوچستان این موضوع در راستای باران‌های موسمی نیز مطرح می‌شود. در سیستان و بلوچستان، باران‌های موسمی که هر ساله در مرداد و شهریور وارد استان می‌شوند، به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب جمع‌آوری و ذخیره آب، عملاً به هدر می‌روند. در بسیاری از مناطق، شبکه‌های انتقال باعث می‌شود حجم زیادی از بارش‌ها در مدت کوتاهی به سیلاب تبدیل شده و به بیابان یا دریا سرازیر شود. از سوی دیگر، فرسودگی شبکه‌های آبرسانی شهری و روستایی و نبود برنامه منسجم برای نفوذ آب در سفره‌های زیرزمینی، موجب می‌شود تأثیر این بارش‌ها بر بهبود وضعیت منابع آبی استان بسیار محدود باشد. این تنها مثالی از وضعیتی است که به دلیل نبود مدیریت بهینه در منابع آبی کشور، باران هدر می‌رود. از این رو باید گفت شاید بهتر باشد مسئولان به جای مدیریت جو به مدیریت منابع آب، کاهش مصرف کشاورزی، اصلاح الگوی مصرف و زیرساخت‌های آبی بپردازند. باید گفت پروژه بارورسازی ابرها در ایران، بیش از آنکه یک سیاست اقلیمی باشد، به نماد نوعی «مدیریت نمادین» در بخش آب تبدیل شده است. در واقع بارورسازی ابرها تلاشی برای نشان دادن اقدامات به اصطلاح عملی در برابر بحران است، اما این در حالی است که بارورسازی ابرها به ریشه‌های واقعی بحران نمی‌پردازد و تنها در حکم مسکنی موقت عمل می‌کند. تداوم این مسیر، به ویژه با آنکه به داده‌های غیرشفاف و پررسان می‌شود، می‌تواند منابع مالی اندک کشور را به مسیرهای غیرمولد هدایت کند. باید گفت حتی اگر بارورسازی ابرها بتواند نهایتاً ۱۰ درصد بر افزایش بارش‌ها تأثیر داشته باشد، مقدار آن در برابر خشکسالی موجود ناچیز است.

دیر اجرایی هفتمین کنفرانس نیروگاه‌های خورشیدی ایران:

استقبال از نیروگاه‌های خورشیدی افزایش یافته است

های خورشیدی ایران یادآور شد: از سال گذشته و با روی کار آمدن دولت چهاردهم و بروز ناترازی در بخش انرژی کشور، توسعه تجدیدپذیرها با هدف جبران بخشی از این ناترازی‌ها بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است و طبق آخرین آمار، ظرفیت نیروگاههای تجدیدپذیر کشور با رشد بی سابقه به ۲۵۵۰ مگاوات افزایش یافته است. این فعال صنعت تجدیدپذیرها با اشاره به محورهای هفتمین کنفرانس نیروگاههای خورشیدی گفت: در مباحث اقتصادی قرار است مدل‌های مختلف خرید تضمینی برق، فروش در تابلوی سبز بورس و بورس انرژی بررسی شود تا مسیر برای متقاضیان شفاف و مشخص شده و از هزینه‌ها و درآمد‌های آن کاملاً آگاهی یابند. گودرزی ادامه داد: برگزاری کارگاه‌های تکمیلی برای مباحث فنی و اقتصادی، توسعه ظرفیت‌های نیروگاه‌ها از سال گذشته به دلیل بروز ناترازی برق شتاب بیشتری گرفته و اسمال نیز با توجه به پیش‌بینی خشکسالی‌های آینده با توجه به روند ادامه یافته است. وی افزود: با توجه به رویکرد کشور در توسعه تجدیدپذیرها و نیز سیاست‌های برنامه هفتم پیشرفت در این زمینه، ضروری بود تا ابعاد فنی و اقتصادی این نوع نیروگاه‌ها در کشور مورد بررسی قرار گیرد که از این رو هفتمین کنفرانس نیروگاه‌های خورشیدی با توجه به نقشی که توسعه تجدیدپذیرها در رفع ناترازی دارند، برگزار می‌شود. دبیر اجرایی هفتمین کنفرانس نیروگاه

های خورشیدی ایران با بیان اینکه توسعه نیروگاه‌های خورشیدی شتاب گرفته و این روند تا چند سال آینده ادامه دارد گفت: پیش‌بینی می‌شود روند استقبال از توسعه نیروگاه‌های خورشیدی تا چهار سال آینده با شتاب تداوم یابد. مهدی گودرزی با بیان اینکه علاوه بر سرمایه‌گذاران بزرگ، تعداد متقاضیان نصب نیروگاه‌های خورشیدی و تجدیدپذیرها نیز رو به افزایش است، افزود: روند توسعه این نوع نیروگاه‌ها از سال گذشته به دلیل بروز ناترازی برق شتاب بیشتری گرفته و اسمال نیز با توجه به پیش‌بینی خشکسالی‌های آینده با توجه به روند ادامه یافته است. وی افزود: با توجه به رویکرد کشور در توسعه تجدیدپذیرها و نیز سیاست‌های برنامه هفتم پیشرفت در این زمینه، ضروری بود تا ابعاد فنی و اقتصادی این نوع نیروگاه‌ها در کشور مورد بررسی قرار گیرد که از این رو هفتمین کنفرانس نیروگاه‌های خورشیدی با توجه به نقشی که توسعه تجدیدپذیرها در رفع ناترازی دارند، برگزار می‌شود. دبیر اجرایی هفتمین کنفرانس نیروگاه

مدیر پژوهشکده منابع آب وزارت نیرو:

خشکسالی تمام هم شود با یک یا دو سال بارندگی جبران نمی‌شود

مدیر پژوهشکده منابع آب وزارت نیرو با اشاره به کاهش شدید بارش‌ها در کشور گفت: سال آبی گذشته سخت‌ترین دوره ۵۰ سال اخیر بود و حتی خشکسالی تمام هم شود، با یک یا دو سال بارندگی جبران نمی‌شود. محمد جواد زارعیان گفت: خشکسالی به عنوان یک پدیده خزنه بوده و نشانه‌های اولیه آن انحراف بارش از میانگین بلند مدت است. به گفته وی، ادامه‌دار شدن کاهش میانگین بارش در منطقه‌ای، به صورت متوالی رنگ‌ختری برای آن منطقه تلقی می‌شود. چرا که کاهش ذخیره سدها و میزان ذخایر آب درباری داشته و می‌تواند چالش‌های اجتماعی ایجاد کند که ممکن است به بعد سیاسی نیز نفوذ کند. زارعیان مدیر پژوهشکده منابع آب موسسه تحقیقات آب افزود: در چند سال اخیر به جز چند مواردی که بارش‌ها بیشتر بوده، به طور کلی میانگین بارش‌ها در کشور کاهش یافته داشته است و از طرف دیگر افزایش مصارف آب موجب ایجاد عدم تعادل در میزان آب و در نتیجه خشکسالی در کشور شده است. وی درخصوص اقدامات وزارت نیرو و موسسه تحقیقات آب در راستای

کنسرسیوم‌های ایرانی

موتور بومی توسعه میادین مشترک در دوران تحریم

محمد حسین سیف الهی مقدم

گروه انرژی

با تشکیل کنسرسیوم‌های داخلی میان پیمانکاران بزرگ و متوسط، روند توسعه میادین مشترک نفتی در دوران تحریم با اتکا به توان مالی و فنی داخلی، شتاب خواهد گرفت. مفهوم «کنسرسیوم نفتی» نخستین بار در دهه ۱۳۲۰ هجری خورشیدی با تشکیل گروهی از شرکت‌های بین‌المللی برای بهره‌برداری از نفت، تاسال هاساختار قراردادی کشور بر محور نفت ایران مطرح شد. ام‌ان الگو کاملاً مبتنی بر منافع خارجی بود. پس از ملی‌شدن صنعت پیمانکاران منفرد داخلی و خارجی نباشد. از دهه ۱۳۹۰ و به‌ویژه پس از تشدید تحریم‌ها، نیاز به مدل مدیریتی جدید برای توسعه میادین مشترک احساس شد. نخستین تجربه موفق تشکیل کنسرسیوم داخلی در پروژه آزادگان جنوبی (۱۳۹۹-۱۴۰۲) رقم خورد و به عنوان «نخستین کنسرسیوم بومی توسعه میدان» در اسناد وزارت نفت ثبت شد. اکنون این سیاست به یکی از محورهای اصلی برنامه «جهش نفت» تبدیل شده و وزارت نفت هدف گذاری کرده است تا ۲۰ درصد توسعه آتی میادین مشترک از طریق کنسرسیوم‌های داخلی انجام گیرد. این مسیر نشان‌دهنده تغییر راهبرد کلان کشور از اتکا به سرمایه خارجی به تکیه بر توان ملی و سرمایه داخلی است. در شرایطی که تحریم‌های بین‌المللی دسترسی ایران به منابع مالی، فناوری‌های پیشرفته حفاری و مشارکت شرکت‌های بین‌المللی را محدود کرده‌اند، تشکیل کنسرسیوم‌های داخلی میان پیمانکاران بزرگ، متوسط و شرکت‌های دانش‌بنیان تبدیل به یکی از راهکارهای اصلی وزارت نفت برای تداوم توسعه میادین مشترک نفت و گاز شده است. این سیاست که با هدف استفاده از ظرفیت کامل پیمانکاران داخلی، بانک‌ها و سرمایه‌گذاران ملی شکل گرفته، اکنون به عنوان الگوی جدید همکاری در طرح‌های توسعه‌ای غرب کارون، یادآوران و آزادگان جنوبی شناخته می‌شود. پروژه‌هایی که بیش از هر میدان دیگری تعیین‌کننده آینده تراز انرژی کشور هستند. به گفته کارشناسان صنعت نفت در شرایط فعلی، صرف‌نظر از انگیزه‌های سیاسی، تحریم‌ها عملاً روند توسعه را از مسیر کلاسیک مبتنی بر حضور خارجی خارج کرده و ما را تا گذر از تعریف مدل همکاری درون‌زا یا خودمان کرده‌اند. در این مدل، کنسرسیوم داخلی به جای شرکت بین‌المللی عمل می‌کند. بر اساس این الگو، چند شرکت پیمانکاری رده اول و دوم با تخصص‌های مکمل در حوزه‌های حفاری، طراحی سطحی، خطوط لوله، برق و ابزار دقیق در قالب یک کنسرسیوم واحد گرد هم می‌آیند. این کنسرسیوم‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و تحت نظارت شرکت ملی نفت فعالیت می‌کنند. به گفته مقامات صنعت نفت، تشکیل کنسرسیوم‌ها دو هدف مشخص را دنبال می‌کند: نخست، تأمین مالی پایدار پروژه‌ها از منابع داخلی، و دوم، انتقال و اشتراک دانش فنی میان شرکت‌های ایرانی برای کاهش وابستگی به واردات فناوری.

ساختار مالی و تقسیم مسئولیت‌ها

در مدل جدید، ساختار مالی بر پایه «تکیه سرمایه‌گذاری» بوده‌فنی و ضمانت‌بانکی» تعریف می‌شود. به این معنا که هر عضو کنسرسیوم متناسب با سهم خود در اجرای پروژه، بخشی از تأمین مالی و تخصص فنی را برعهده می‌گیرد. بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری عمومی نیز نقش مهمی در پشتیبانی مالی دارند. طبق اعلام منابع آگاه، در طرح‌های میادین غرب کارون، حدود ۴۰ درصد منابع مالی از طریق بانک‌های عامل داخلی و صندوق پروژه تأمین خواهد شد. زارپرداخت نیز از محل درآمد ناشی از تولید میدان صورت می‌گیرد که این ساختار، نوعی «مدل BOT بومی‌شده» محسوب می‌شود. کارشناسان صنعت نفت معتقدند در گذشته، پیمانکاران متوسط توان ورود به طرح‌های کلان نفتی را نداشتند، اما با تشکیل کنسرسیوم، امکان هم‌افزایی فنی و مالی بین آن‌ها فراهم شده و ریسک پروژه‌ها میان چند شرکت تقسیم می‌شود. این یعنی توسعه پایدار حتی بدون حضور سرمایه‌گذار خارجی.

نمونه‌های میدانی و نتایج اولیه

در حال حاضر سه میدان مشترک آزادگان جنوبی، یادآوران و چنگوله، محور اجرای الگوی کنسرسیومی هستند. در پروژه آزادگان جنوبی، هشت شرکت پیمانکاری ایرانی از جمله شرکت‌های حفاری واحداث تأسیسات در قالب کنسرسیوم توسعه میدان در حال فعالیت‌اند. بر اساس ارزیابی‌های اولیه، اجرای فاز نخست توسعه توسط کنسرسیوم داخلی باعث افزایش ۵۰ هزار بشکه‌ای تولید روزانه نفت شده است، رقمی که معادل عملکرد برخی شرکت‌های خارجی در سال‌های پیش از تحریم‌های ایران می‌شود. نکته مهم دیگر، استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان در طراحی و ساخت تجهیزات کلیدی است.

آیا پشته‌ن زنان در ایران در حال حذف است؟

مه‌ریه در بحران تورم و نابرابری

با افزایش تورم و جهش قیمت سکه، طرح جدید مجلس برای محدودسازی مه‌ریه به ۱۴ سکه، نگرانی‌های گسترده‌ای در میان زنان و کارشناسان حقوقی ایجاد کرده است. این طرح که به بهانه کاهش زندانیان مالی مطرح شده، در واقع تنها ابزار مالی و حمایتی بسیاری از زنان را در ساختار مردسالار جامعه هدف گرفته است. در ایران، هر زمان که دولت یا مجلس به دنبال کنترل بحران‌های اقتصادی است، دیواری کوتاه‌تر از حقوق زنان پیدا نمی‌شود. حالا طرحی در مجلس مطرح شده که ضمانت اجرایی مه‌ریه را به ۱۴ سکه کاهش می‌دهد؛ اقدامی که ظاهراً برای کاهش زندانیان مالی است اما در عمل، تنها سپر مالی زنان در برابر تبعیض‌های حقوقی و اقتصادی را از بین می‌برد. در شرایطی که قیمت سکه از مرز ۱۱۰ میلیون تومان گذشته و تورم قدرت خرید را نابود کرده، این طرح در واقع نوعی انتقال بار مالی از دولت و جامعه به دوش زنان محسوب می‌شود. بر اساس آمار رسمی قوه قضاییه، تا پایان سال ۱۴۰۳ تنها ۱۹۰ نفر به دلیل ناتوانی در پرداخت مه‌ریه در زندان هستند. این رقم در مقایسه با بیش از ۹۵۰ هزار طلاق ثبت شده طی پنج سال گذشته، کمتر از ۲۰ دهم درصد است. به عبارت دیگر، بحران «زندان مه‌ریه» به اندازه‌ای که در رسانه‌ها برجسته می‌شود، واقعیت ندارد و نمی‌تواند توجهی برای حذف یکی از محدود ابزارهای حمایتی زنان باشد. قانون‌گذار در ایران، مرد را واجد صلاحیت برای ریاست جمهوری و ولایت می‌داند اما هنگام پرداخت مه‌ریه، او را ناگاه‌وی تدبیر می‌پندارد. اگر مرد در زمان عقد با رضایت کامل مه‌ریه را پذیرفته، نمی‌توان هنگام اجرای تعهد، او را از مسئولیت مالی معاف کرد. این تناقض، نه تنها عدالت اضعیف می‌کند بلکه اعتماد عمومی به نهاد ازدواج را هم از بین می‌برد. در بسیاری از پرونده‌ها، مه‌ریه تنها منبع مالی زن پس از فوت شوهر است. طبق قانون، مه‌ریه زن پیش از تقسیم ارث از دارایی متوفی پرداخت می‌شود. بنابراین حذف یا محدودسازی آن، زنان را از این حق بنیادین نیز محروم می‌کند؛ به‌ویژه در ساختار اقتصادی‌ای که سهم زن از ارث کمتر است و فرصت اشتغال پایدار برای او محدودتر. در اقتصادی که نرخ اشتغال زنان حدود ۱۰ درصد است و اکثریت آنان درآمدی مستقل ندارند، حذف مه‌ریه به معنای افزایش مستقیم فقر زنان است. برای زنانی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند، مه‌ریه تنها سرمایه‌ای است که می‌تواند آینده آن‌ها را در برابر طلاق یا فوت همسر تضمین کند. در غیاب سیاست‌های حمایتی مانند بیمه زنان خانه‌دار و اشتغال برابر، مه‌ریه نقشی جزئی در برابر نابرابری‌های ساختاری دارد. با انتشار نامه‌ایت‌الله سبحانی درباره تبدیل شرط مه‌ریه از عندالمطالبه به عندالاستیطاقه، نگرانی‌ها افزایش یافته است. کارشناسان هشدار می‌دهند که این تغییر می‌تواند پر از تازمان مه‌ریه را تا نامعلوم به تعویق اندازد و زنان را از حمایت‌های فعلی قانون اجرای حکومت‌های مالی محروم کند. به گفته کارشناسان حقوقی، چنین تغییری عملاً امکان صدور اجرائیه برای مه‌ریه را از بین می‌برد و زن باید ابتدا توانایی مالی شوهر را اثبات کند. در حالی که در قانون فعلی، بار اثبات ناتوانی بر دوش مرد است. اگر هدف سیاست‌گذار کاهش آسیب‌های اجتماعی است، باید قوانین تعین‌آمیز خانواده اصلاح شود؛ نه آن‌که تنها ابزار مالی زنان حذف گردد. اصلاح قانون حضانت، ارث، حق طلاق و اشتغال زنان می‌تواند جایگزینی عادلانه برای کاهش مه‌ریه باشد. در جامعه‌ای برابر، مه‌ریه می‌تواند اگرکرد فرهنگی خود را حفظ کند، نه آن‌که نقش جزئی برای تبعیض‌های حقوقی داشته باشد.

فرمانده انتظامی تهران:

۱۹.۸ درصد از جرایم کشور در تهران رخ می‌دهد

سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ در سیصد و یکمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران با بیان اینکه مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۸ شهیدو مجموعه فرماندهی انتظامی تهران بزرگ یک شهید را در جنگ ۱۲ روزه تقدیم کرد، اظهار داشت: ارتباط پلیس با مدیریت شهری مثال زدن است و هیچ گونه مشکلی در این زمینه وجود ندارد. هیچ مأموریت روی زمین مانده‌ای که شهرداری از پلیس درخواست کرده، نداریم. وی با بیان اینکه در حوزه‌های مختلف از جمله ساماندهی دستروشان این هماهنگی و همکاری وجود دارد، یادآور شد: تهران با ۲۸۴ محله ۲۶۰ مجموعه انتظامی دارد که تمام این آمار در حوزه امنیت قابل بحث است. محمدیان با بیان اینکه در موضوعات امنیتی که در جنگ ۱۲ روزه تجربه کردیم، ایستگاه‌های ایست بازرسی نقش ویژه‌ای داشتند، خاطرنشان کرد: ۱۹.۸ درصد از جرائم کشور در تهران رخ می‌دهد و ۲۵ درصد از تماس‌های ۱۱۰ کشور نیز به تهران اختصاص می‌دهد. وی با اعلام اینکه چهار میلیون و ۵۰۰ هزار خودرو و چهار میلیون و ۲۲۸ هزار موتورسیکلت در تهران تردد می‌کنند، یادآور شد: مدیریت این تعداد موتورسیکلت بسیار ویژه است و به توجه جدی نیاز دارد.

پرستو شیرمحمدی/ گروه جامعه

توان بخشی، یکی از ارکان اساسی در فرآیند بازتوانی و ارتقا کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت است. این خدمات، نه تنها به بهبود عملکرد جسمی، ذهنی و روانی افراد کمک می‌کند، بلکه نقش مهمی در بازگشت آنان به زندگی مستقل، اشتغال و مشارکت اجتماعی دارد. با این حال، در بسیاری از نقاط ایران، دسترسی به خدمات توان بخشی با چالش‌های متعددی مواجه است. از کمبود مراکز تخصصی در شهرهای کوچک و روستاها گرفته تا هزینه‌های سنگین درمانی و پوشش ناکافی بیمه‌ها است. فاطمه عباسی، معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به دودووجه اصلی خدمات توانبخشی اظهار داشت: خدمات تخصصی توانبخشی شامل دو بخش توانبخشی و آموزشی است. خدمات توانبخشی مانند فیزیوتراپی، گفتاردرمانی، کاردرمانی، شنوایی‌شناسی و بینایی‌سنجی تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارائه می‌شود و مرجع صدور مجوز کلینیک‌های مرتبط نیز همین وزارتخانه است. وی افزود: در مقابل، خدمات توانبخشی آموزشی از طریق مراکز روانه به افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی ارائه می‌شود. این مراکز توسط اشخاص حقیقی و حقوقی بخش غیردولتی اداره می‌شوند و باره اندازی درگاه ملی مجوزها، تمرکززدایی لازم صورت گرفته است. اکنون افراد واجد شرایط می‌توانند با توجه به نیاز شهرستان محل سکونت خود، درخواست تأسیس مرکز رانیت و اقدام به راه‌اندازی آن نمایند. عباسی با اشاره به آمار موجود گفت: در حال حاضر، ۱۵۱۴ مرکز تخصصی توانبخشی آموزشی روانه در ۲۵۸ شهرستان فعال هستند که به ۶۲۶۰۷ نفر خدمات ارائه می‌دهند. وی در ادامه با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی خاطرنشان کرد: امکان توسعه مراکز توانبخشی در قالب دولتی وجود ندارد و در راستای سیاست‌های کوچک‌سازی دولت، این امر به بخش غیردولتی واگذار شده است. معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور درباره خدمات توانبخشی توضیح داد: این خدمات مجموعه‌ای از اقدامات توانبخشی

هستند که با هدف ارتقا عملکرد، افزایش کیفیت زندگی، کاهش شدت معلولیت و وابستگی افراد دارای معلولیت در فعالیت‌های روزانه، پیشگیری و بهبود پیامدهای ناتوان کننده ارائه می‌شوند. این واحدها خدماتی نظیر فیزیوتراپی، تاکتون ۶۳۰۰۰ نفر از این خدمات بهره‌مند شده‌اند. عباسی همچنین به فعالیت ۱۱۵ واحد توانبخشی دولتی اشاره کرد و گفت: این واحدها خدماتی نظیر فیزیوتراپی، گفتاردرمانی، کاردرمانی، بینایی‌سنجی و شنوایی‌شناسی ارائه می‌دهند و ۲۴۵۶۴ نفر از اینها خدمات دریافت کرده‌اند. عباسی بر ضرورت گسترش پوشش بیمه‌ای خدمات توانبخشی با اشاره به داده‌های سامانه ارمان سازمان بهزیستی کشور گفت: در حال حاضر، ۱۶۲۵۰۸۲۷ نفر دارای معلولیت تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند که از این تعداد، ۵۰۳۳۶۸ نفر دارای معلولیت متوسط، ۶۱۰۹۵۲ نفر شدید، ۱۰۷۰۹۱۰ نفر خیلی شدید و مابقی دارای معلولیت خفیف هستند. وی با توجه به روند افزایشی بروز معلولیت و سالمندی جمعیت، توسعه کمی و کیفی خدمات توانبخشی جسمی و روانی تحت پوشش بیمه را از نیازهای اساسی

جامعه دانست و افزود: قانون‌گذار در ماده ۶ قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۹۶، وزارت بهداشت را مکلف کرده است تا پوشش بیمه سلامت افراد دارای معلولیت را به گونه‌ای تأمین کند که علاوه بر خدمات درمانی، خدمات توانبخشی جسمی و روانی نیز شامل شود. عباسی در پایان با اشاره به تفاهم‌نامه‌های منعقد شده میان سازمان بهزیستی و بیمه سلامت در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ گفت: در مرحله نخست ۹ خدمت در قالب ۳ خدمت و در مرحله دوم ۵۹ خدمت در قالب ۹ بسته خدمتی پیش‌بینی و ارائه شده است. با این حال، تجهیزات توانبخشی مانند ویلچر برقی، سمعک و سایر اقلام مشابه هنوز تحت پوشش بیمه قرار نگرفته‌اند که این موضوع نیازمند توجه ویژه و پیگیری‌های قانونی و اجرایی است.

معلولان و توان بخشی نابرابری در

دست‌رسی

پوشش ناکافی بیمه‌های پایه و تکمیلی برای خدمات توان بخشی و نبود امکانات لازم برای رفت و آمد معلولان، بسیاری

وجود ندارد؛ چرا که برگزاری آزمون در یک زمان کوتاه ممکن است نتواند به شکل کامل و جامع ملاک خوبی برای ارزشیابی باشد؛ ضمن اینکه شرایط نامناسبی نظیر استرس و اضطراب را برای داوطلبان ایجاد می‌کند که داوطلب نمی‌تواند به خوبی عملکرد علمی خود را نشان دهد. وی تصریح کرد: از طرف دیگر باید این واقعیت را بی‌زیبریم که مایک سری صندلی و رشته‌هایی در دانشگاه‌ها داریم که متقاضی برای ورود به این عرصه زیاد است. ما برای اینکه این صندلی‌ها را با رعایت عدالت توزیع کنیم، ناچاریم ابزاری را برای سنجش داشته باشیم.

معاون وزارت علوم:

کنکور فعلاً حذف نمی‌شود

«روزگار» از چالش‌های زندگی افراد دارای معلولیت گزارش می‌دهد

گرفتار در چرخه بی‌پایان مشکلات



از معلولان را از دریافت درمان‌های ضروری محروم کرده و بار سنگینی بر دوش خانواده‌ها گذاشته است. یکی از مادران دارای فرزند معلول از مشکلات و دغدغه‌های درمانی و معیشتی خود بیان می‌کند: فرزندم تحت پوشش بیمه است، اما بیشتر داروهای مورد نیازش خارجی هستند و تعرفه آزاد دارند. از طرفی، به دلیل نوع بیماری‌ری، به مکمل‌هایی مانند ویتامین‌ها نیاز داریم که در لیست بیمه نیستند. در واقع، بیمه فقط بخش بسیار کوچکی از هزینه‌ها را پوشش می‌دهد و نمی‌توان گفت که بار مالی سنگینی را از دوش خانواده‌ها برمی‌دارد.

هزینه‌های درمان و توانبخشی معلولان خدمات توان بخشی شامل فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی و تجهیزات کمک حرکتی، هزینه‌های بالایی دارند که بسیاری از خانواده‌ها توان پرداخت آن را ندارند. آرزو ذکایی فر رئیس مرکز اشتغال، کارآفرینی و توانمندسازی سازمان بهزیستی با اشاره به دغدغه‌های افراد دارای معلولیت در زمینه هزینه‌های بالای درمان و توانبخشی گفت: یکی از

مأموریت‌های اصلی سازمان بهزیستی، رسیدگی به امور سلامت مددجویان است و به همین دلیل مجموعه‌ای از اقدامات در سال‌های اخیر انجام شده است. ذکایی فر در مورد اینکه تمامی مددجویان تحت پوشش سازمان، از بیمه پایه سایر اقشار برخوردار هستند، بیان کرد: تفاهم‌نامه‌ای میان سازمان بهزیستی و بیمه سلامت به امضا رسیده که بر اساس آن، خدمات توانبخشی در قالب ۵۹ خدمت مشخص ارائه می‌شود. وی افزود: مراکز معینی در سراسر کشور برای این منظور تعیین شده و افراد دارای معلولیت پس از مراجعه به ادارات بیمه سلامت و ثبت نام به عنوان مددجوی سازمان، می‌توانند از این خدمات بهره‌مند شوند. بر اساس این تفاهم‌نامه، ۷۰ درصد هزینه‌ها توسط بیمه سلامت پرداخت می‌شود و ۳۰ درصد باقی‌مانده بر عهده مددجو است. رئیس مرکز اشتغال، کارآفرینی و توانمندسازی تأکید کرد که سازمان برای همین سهم ۳۰ درصدی نیز تدابیری اندیشیده است و اظهار کرد: ماردیف ویژه‌ای تحت عنوان کمک‌هزینه درمان داریم. مددجویان می‌توانند با ارائه مدارک به مددکار مربوطه، بخش زیادی از هزینه‌های باقی‌مانده را نیز جبران کنند. وی همچنین با اشاره به گستره ارائه خدمات افزود: این خدمات تنها محدود به مراکز استان‌ها نیست و همه افراد دارای معلولیت در شهرستان‌ها و روستاها هم می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. هر سال اطلاع‌رسانی انجام می‌شود تا افراد برای فعال‌سازی برچسب نشان مددجویی به دفاتر بیمه سلامت مراجعه کنند. پس از فعال‌سازی، امکان استفاده از خدمات درمانی در تمامی مراکز طرف قرارداد بیمه سلامت برای آنها فراهم خواهد بود. یکی از مشکلات جدی افراد دارای معلولیت، دسترسی سخت به مراکز درمانی طرف قرارداد در برخی شهرستان‌هاست. ذکایی فر در این زمینه توضیح داد: گاهی بیمه سلامت در یک شهرستان مرکز درمانی ندارد و مددجو باید مسافت طولانی را طی کند. امری که برای فرد دارای معلولیت هم دشوار است و هم پرهزینه. به همین دلیل، جلسات مشترکی با بیمه سلامت در حال برگزاری است تا از ظرفیت مراکز روانه توانبخشی سازمان استفاده شود.

با اصلاح ساختارها

می‌توان از بروز فسادهای موردی جلوگیری کرد

معاون اول قوه قضاییه با اشاره به اینکه قوه قضاییه با فساد به طور جدی برخورد می‌کند، گفت: با اصلاح ساختارهای توان از بروز فسادهای موردی جلوگیری کرد. حجت الاسلام و المسلمین حمزه خلیلی، معاون اول قوه قضاییه در نشست گرامیداشت سالروز تأسیس سازمان بازرسی کل کشور، با قدردانی از رئیس سازمان بازرسی به جهت فراهم آوردن زمینه این دیدار، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای دفاع مقدس، شهدای امنیت و شهدای جنگ، و آرزوی سلامتی و توفیق برای مقام معظم رهبری، این روز را به همه حاضران تبریک گفت. وی اظهار کرد: در اینگونه نشست‌ها، باید درباره فلسفه نظارت و وظایف نظارتی سازمان بازرسی سخن گفت. هنگامی که از فلسفه نظارت سخن می‌گوئیم، باید تلقی و نگرش خود را نسبت به ادارات، سازمان‌ها، نهاد‌ها و همچنین مدیران شفاف کنیم، چرا که بدون شناخت صحیح این تلقی ما و نگرش، فلسفه نظارت به درستی تبیین نخواهد شد. معاون اول قوه قضاییه افزود: طبیعتاً این بحث در مجامع علمی و منابع مختلف بررسی شده و دیدگاه‌های متعددی در خصوص سازمان‌ها و مدیران ارائه شده است. وی با استناد به اندیشه‌های شهید مطهری، مقدمه‌ای نظری ارائه کرد و گفت: شهید مطهری دو ویژگی بارز اسلام را توحید و عدالت اجتماعی عنوان می‌کند. در خصیصه و ویژگی اول اسلام با شرک، بت پرستی و دوگانگی مبارزه می‌کند و یکی از محورهای اصلی حرکت پیامبر اکرم (ص) بود و تمام جهت فکری و ذهنی ایشان در این مبارزه، مبارزه با شرک است. در کنار آن، مبارزه دوم، مبارزه با نابرابری، تبعیض و شکاف‌های اجتماعی است و این نابرابری یک نوع نابرابری عجیبی در جامعه به وجود می‌آورد. حجت الاسلام خلیلی با اشاره به اینکه یکی از تاریخ نگاران عرب گفته است که مقاومت قریش در برابر پیامبر اسلام (ص) خاطر نشان کرد: آنچه بیشترین مقاومت را در برابر پیامبر ایجاد کرد، توحید نبود، بلکه عدالت اجتماعی و برابری بود.

بیش فعالی؛ شایع‌ترین

اختلال دوران دبستان

فوق تخصص روان پزشکی کودک و نوجوان با بیان اینکه اختلال بیش فعالی شایع‌ترین اختلال دوران دبستان است، گفت: این اختلال نه تنها در دوران کودکی، بلکه در سنین نوجوانی و بزرگسالی نیز بروز دارد و می‌تواند بر تحصیل، روابط خانوادگی و شغلی افراد تأثیر بگذارد. فرشته شکیبایی با اشاره به اهمیت شناخت اختلال بیش فعالی- کم توجهی و میزان شیوع و علائم آن در کودکان اظهار کرد: بیش فعالی و کم تمرکز از شایع‌ترین اختلالات دوران دبستان است و در سنین نوجوانی نیز بروز بالایی دارد، البته بعضی اختلالات دیگر نیز در این سنین ممکن است دیده شود، اما میزان شیوع و تأثیرگذاری بیش فعالی بر زندگی فرد و اطرافیان او، آن را به مسئله‌ای مهم و نیازمند آگاهی عمومی تبدیل کرده است. وی با اشاره به ضرورت آگاهی بخشی به والدین نسبت به بیش فعالی و علائم آن افزود: با توجه به گستردگی این اختلال و اثرات آن بر عملکرد تحصیلی، روابط خانوادگی و اجتماعی، ضروری است خانواده‌ها نسبت به نشانه‌ها و شیوه صحیح برخورد با کودک مبتلا به این اختلال آگاهی کافی داشته باشند و آشنایی والدین با رفتارهای طبیعی و غیرطبیعی کودک، نقش مهمی در شناسایی زودهنگام و مدیریت صحیح این وضعیت دارد. فوق تخصص روان پزشکی کودک و نوجوان با اشاره به اینکه علائم اختلال بیش فعالی کم تمرکز در سه دسته اصلی قرار می‌گیرد، تصریح کرد: این علائم شامل پرتحرکی، کم تمرکز و تکانش‌گری است که هر یک می‌تواند در رفتار و عملکرد روزمره کودک نمود پیدا کند و والدین باید به این رفتارها توجه داشته باشند. شکیبایی با اشاره به گروه نخست علائم بیش فعالی یعنی علائم پرتحرکی ادامه داد: در این دسته، کودک به طور معمول فعالیت بدنی بالایی دارد، مدام در حال حرکت است، زیاد راه می‌رود و می‌دود و این ویژگی‌ها به طور معمول در سنین پایین‌تر بروز می‌کند، اما ممکن است نشانه‌های اولیه حتی از دوران جنینی قابل مشاهده باشد؛ به گونه‌ای که برخی مادران گزارش می‌دهند جنین در رحم تحرک بسیار بالایی داشته است. وی گفت: در بعضی منابع تأکید شده است که کودکان دارای این نوع از علائم، تمایل شدیدی به تحرک مستمر و مداوم دارند؛ به طوری که هنگام حضور در کلاس درس نمی‌توانند جای خود بلند می‌شوند، از کلاس خارج می‌شوند و در مجموع آرام و قرار ندارند و یکی دیگر از نشانه‌های رایج پرتحرکی، زیاد صحبت کردن و قطع مکرر گفت‌وگو دیگران است. فوق تخصص روان پزشکی کودک و نوجوان اضافه کرد: حتی در زمان خواب نیز ممکن است این کودکان آرام و قرار نداشته باشند و زیاد در خواب غلت بزنند که این تحرک زیاد، به طور معمول از خستگی والدین و اطرافیان گرفته تا بروز مشکلات رفتاری و تحصیلی در مدرسه را به دنبال دارد. شکیبایی درباره گروه دوم علائم و کم تمرکز گفت: این دسته از نشانه‌ها به طور معمول در قالب ناتوانی در حفظ توجه و تمرکز بروز می‌کند که کودک پشتکار لازم را ندارد، در زمان صحبت والدین یا تدریس معلم، توجه کافی نشان نمی‌دهد و نمی‌تواند به صورت مستمر روی یک فعالیت متمرکز بماند. وی افزود: معمول فراموش کار هستند، وسایل مختلف را مرتب گم می‌کنند یا در جاهای مختلف جامی گذارند، مطالب درسی را در لحظه درک می‌کنند، اما پس از مدت کوتاهی آن را فراموش می‌کنند و همین مسئله باعث می‌شود عملکرد تحصیلی آنها پایین‌تر از توان واقعی آنها باشد. فوق تخصص روان پزشکی کودک و نوجوان خاطرنشان کرد: با افزایش سن و ورود به دوران بزرگسالی، این الگوی رفتاری می‌تواند به شکل‌های دیگری بروز کند و افرادی که در کودکی دچار کم تمرکز بوده‌اند، ممکن است در محیط کار پشتکار کافی نداشته باشند، وظایف خود را نیمه‌کاره رها کنند و در برنامه ریزی‌های شغلی و روزمره با چالش روبه رو شوند، بنابراین تشخیص و درمان زودهنگام این اختلال، نقش تعیین کننده‌ای در کیفیت زندگی آینده این افراد دارد.

